

دست کم ۹۰درصد از جمعیت غزه جابه‌جا شده بودند. کارشناسان سازمان ملل اعلام کرده‌اند که بیش از ۶۰۰هزار نفر از فلسطینی‌ها از جمله ۱۳۲ هزار کودک در شرایط گرسنگی یا سوءتغذیه قرار دارند و ۷۸درصد از ساختمان‌های غزه آسیب دیده یا ویران شده‌اند. با اینکه تهدید حمله به سبک هفتم اکثر حماس برای آینده‌ای نزدیک از بین رفته، شکست حماس، که شاید نتیجه‌ای باشد که خیلی‌ها در غزه از آن استقبال کنند، نیازمند راه حل سیاسی است که در آن فلسطینی‌ها، بدون حماس اداره دولت خود را به‌دست بگیرند. با این حال نه دولت اسرائیل نه حماس علاقه‌ای برای رسیدن به راه‌حلی را ندارند.

اینکه اسرائیل از این رابطه استثنایی آسیب‌دیده یا خواهد دید، کمتر آشکار است اما به‌همان اندازه حقیقت دارد. تضعیف قابلیت‌های حماس و حزب‌الله و حمله به برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران، امنیت کوتاهمدت اسرائیل را تقویت می‌کند. اما این دستاوردها باید در برابر هزینه‌های محتمل‌شده در این فرآیند سنجیده شود.

انزوای بین‌المللی اسرائیل در نتیجه جنگ غزه نشان‌دهنده خطری آشکار و فوری برای آن است. رهبران هلند، اسپانیا و سوئیس به‌طور علنی اعلام کرده‌اند که اگر نتانیاهو پایش را داخل مناطق آنها بگذارد، دستگیر خواهد شد. آمریکا و انگلستان که دهه‌هاست برای اسرائیل تسلیحات می‌فرستند، فروش سلاح‌های خود را محدود کرده‌اند. تغییر نگرش در آمریکا به‌ویژه برای اسرائیل هشداردهنده است. طبق یک نظرسنجی مشترک نیویورک‌تایمز/دانشگاه سی‌ینا، بیش از نیمی از آمریکایی‌ها- و از هر ۱۰ نفر، سه نفر زیر سی سال- با «ارائه کمک‌های نظامی و اقتصادی بیشتر به اسرائیل مخالف‌اند.» دوپنجم آمریکایی‌ها و دوسوم افراد زیر سی سال فکر می‌کنند اسرائیل عمدتاً غیرنظامیان فلسطینی را می‌کشد. آمریکایی‌های زیر ۴۵ سال دو برابر بیشتر با فلسطینی‌ها همدردی می‌کنند تا با اسرائیلی‌ها. با اینکه این تغییرات در افکار عمومی هنوز منجر به تغییر در سیاست نشده، اسرائیل نمی‌تواند انتظار داشته باشد که این قطع ارتباط به‌طور نامحدود ادامه یابد.

علاوه بر این، موفقیت‌های نظامی اسرائیل در برابر دشمنان منطقه‌ایش ممکن است گذرا باشد. در غیاب یک حکومت فلسطینی معتبر و موثر در غزه، اسرائیل ممکن است مجبور شود بین اشغال پرهزینه و یک دولت شکست‌خورده در مرز خود یکی را انتخاب کند. افول حزب‌الله در لبنان تاکنون به‌نفع اسرائیل بوده است اما هنوز زود است که نتیجه‌ای بسیار نامطلوب‌تر را رد کنیم. حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریوها، برتری نظامی منطقه‌ای اسرائیل خطرات دیگر را پنهان می‌کند. پیگیری مداوم نتانیاهو برای اصلاحات قضایی داخلی، که در عمل نظارت دادگاه‌ها بر دولت او را کاهش می‌دهد، دموکراسی اسرائیل را تهدید می‌کند. تغییرات جمعیتی در اسرائیل، به‌ویژه رشد نسبی جمعیت ارتدوکس افراطی، نرخ مشارکت در اقتصاد و نیروهای مسلح را کاهش می‌دهد. تعهد به گسترش نامحدود شهرک‌سازی در کرانه باختری در سراسر طیف سیاسی اسرائیل، به‌همراه عدم پاسخگویی در قبال خشونت شهرک‌نشینان می‌تواند باعث انتفاضه جدیدی شود و تشکیل یک کشور فلسطینی را عملاً غیرممکن سازد. جنگ غزه موانع شدیدی را علیه عادی‌سازی بیشتر روابط با کشورهای عرب و با اکثریت مسلمان در خاورمیانه و فراتر از آن ایجاد کرده است. در هر کدام از این موارد، حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از زمان هفتم اکثر نتانیاهو را قادر ساخته تا سیاست‌هایی را دنبال کند که مشکلات موجود را نادیده می‌گیرد یا تشدید می‌کند.

این تحولات آینده یک اسرائیل امن، یهودی و دموکراتیک، هدف ادعایی سیاست آمریکا و امید بیشتر اسرائیلی‌ها را تهدید می‌کند. حفظ این رابطه استثنایی هزینه‌های قابل توجهی برای آمریکا داشته است. مسئله فقط این نیست که سیاست آمریکا، اهداف آمریکایی‌را مقابل اسرائیل تضعیف می‌کند. این رابطه در شکل فعلی خود به آن دسته از منافع آمریکا که کاملاً به خاورمیانه نامرتب هستند هم آسیب زده است. جایگاه بین‌المللی واشنگتن در دو سال گذشته رو به افول رفته است و رقبای آمریکا مشتاقانه از آن سوءاستفاده کرده‌اند؛ چین برای تقویت جایگاه خود به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی ظاهراً مسئول و روسیه برای منحرف کردن اذهان از جنایات خود در اوکراین.

حمایت همه‌جانبه آمریکا از اسرائیل همچنین از نظر فرصت نیز هزینه داشته است؛ هر ناوگروه ضربتی که برای محافظت از اسرائیل در برابر عواقب اقدامات آمریکا اعزام شده‌اند، باعث می‌شود یک گروه کمتر برای انجام وظیفه در آسیا و اقیانوسیه در دسترس باشند. اگر چه روابط استثنایی با اسرائیل و همدست فرضی آمریکا در جنگ اسرائیل در غزه محرک‌های اصلی چنین روندهایی نیستند اما قطبی‌سازی را تشدید کرده‌اند و بر اسلام‌هراسی و یهودستیزی در ایالات متحده دامن زده‌اند.

ترجمه: یاسمن طاهریان

نظامی اسرائیل نشان‌دهنده همبستگی متناسب با شریک داغدار و تحت‌فشار خود بود اما عدم وجود چنین شفافیتی برای نتانیاهو نمای امضای یک چک سفید را داشت.

تعملات آمریکا با مقامات اسرائیلی در آغاز جنگ الگویی از فشار دقیق و محاسبه‌شده اما با تمکین کامل را نشان می‌داد. از همان عملیات ابتدایی اسرائیل در غزه واضح بود که ارتش اسرائیل برای به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان فلسطینی تاکید لازم را نداشت. دولت بایدن به‌طور مرتب و قاطعانه، اما در محافل خصوصی نگرانی‌های خود را از بمباران‌های اسرائیل در هفته‌های اول جنگ ابراز می‌کرد. با این حال اظهارات علنی مقامات آمریکایی که از تلفات غیرنظامیان ابراز تأسف می‌کردند اما از محکوم کردن یا مقصر دانستن اسرائیل خودداری می‌کردند هر تأثیری که این گفت‌وگوها می‌توانستند بر اقدامات اسرائیل داشته باشند را از بین می‌برد.

دولت در این دوره اولیه از عدم ارسال تسلیحات سر باز زد و وتوهای چند قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل از سوی آمریکا که خواستار آتش‌بس بود به دلایلی از جمله حذف نقش حماس در این درگیری توسط سایر کشورها به‌عنوان تایید تاکتیک‌های اسرائیل تعبیر شد. حتی با اینکه انتقادهای عمومی در آمریکا شدت گرفتند، نتانیاهو به‌نظر به این نتیجه رسید که می‌تواند هر گونه ناراضیاتی در داخل دولت را که می‌توانست آزادی عمل اسرائیل در کاهش تلفات غیرنظامی را کاهش دهد نادیده بگیرد.

آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۳ که منجر به آزادی ۱۰۵ گروگان اسرائیلی از غزه شد دستاورد بزرگی بود اما بیش از یک سال بدون هیچ صلحی گذشت. در آن زمان، مقامات آمریکایی پیام‌های رک و سرزنش‌آمیزی را به رهبران اسرائیلی درباره تاکتیک‌های اسرائیل ارسال کردند. آنها با اینکه تاکید کردند اسرائیل برای محافظت از غیرنظامیان باید کارهای «بیشتری» انجام دهد، اما به‌ندرت نشان دادند که حمایت آمریکا در معرض خطر قرار دارد. آنها هیچ‌وقت از کمک نظامی به‌عنوان اهرمی برای تلاش جهت تغییر رویکرد اسرائیل استفاده نکردند.

اعمال «قوانین لیهی» که شامل قطع ارسال کمک‌های آمریکا به واحدهای نظامی که مرتکب نقض فاحش حقوق بشر شده‌اند علناً در مورد اسرائیل به حالت تعلیق درآمد حتی با اینکه قانون چنین استثناهایی را قائل نمی‌شود. فقط در ماه مه ۲۰۲۴ بود که جو بایدن در واکنش به آغاز کمپین نظامی علیه نیروهای حماس در شهر رفح ارسال برخی از تسلیحات را متوقف کرد اما به‌رم درخواست‌های آمریکا مبنی بر اینکه تا زمانی که غیرنظامیان به‌طور امن منطقه را ترک کرده باشند، به‌تعویق بیفتد. ارتش اسرائیل در نهایت برنامه خود را برای رفح تغییر داد اما در طرح بزرگتر جنگ فشار دولت آمریکا نونشاد و پس از مرگ سهراب بود.

دولت بایدن موفقیت بیشتری در جلوگیری از گسترش جنگ غزه به کشورهای دیگر داشت. ایران، لبنان، سوریه و یمن هر کدام به‌نوعی وارد جنگ شدند اما خشونت به جنگی پایدار و چندجبهه‌ای متاستاز نکرد. دولت آمریکا توانست ائتلاف دفاعی چندملیتی را بسیج کند که عمدتاً توانست حملات ایران به اسرائیل در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ را خنثی کند و از تشدید بیشتر جلوگیری کند و در ادامه برای اسرائیل به‌وضوح روشن کرد که آمریکا در عملیات تهاجمی شرکت نخواهد کرد، واکنش اسرائیل را محدود نگه داشت و زمان بیشتری برای دیپلماسی خرید. اما بایدن نتوانست عملیات اسرائیل را که امکان داشت به درگیری منطقه‌ای تبدیل شود، مهار کند. آزادی عمل اسرائیل و حملات ارتش آمریکا علیه ایران ممکن است برای اسرائیل اعتمادبه‌نفس بزرگتری برای حملات خطرناک‌تر در ماه‌های آینده ایجاد کرده باشد.

از زمانی که دونالد ترامپ به کاخ سفید بازگشت، رویکردهایش در قبال اسرائیل بیشتر بین رویکرد استثنا قائل شدن، فشار واقعی و یک استراتژی تراکنشی نوسان داشته است. ترامپ و مشاورانش شروع امیدوارکننده‌ای داشتند، به نتانیاهو فشار آوردند تا طرح پیشنهادی آتش‌بس دولت بایدن در ژانویه ۲۰۲۵ را بپذیرد. اما دولت جدید سپس چند ماه بعد علناً سیاست آمریکا به اسرائیل را برون‌سپاری کرد. پس از آغاز آتش‌بس در ماه ژانویه، مشاوران ترامپ برای متقاعد کردن نتانیاهو جهت شرکت در مذاکرات برای آتش‌بس فراتر از فاز اول هیچ تلاشی نکردند و زمانی که نخست‌وزیر اسرائیل به‌طور یکجانبه تصمیم گرفت در ماه مارس با چند حمله هوایی آتش‌بس را نقض کند ترامپ از حملات اسرائیل حمایت کرد. به‌جای فشار به اسرائیل برای به‌حداکثر رساندن کمک‌های اولیه، دولت هیچ‌فشاری برای رفع محاصره فاجعه‌بار دوماهه اسرائیل اعمال نکرد.

➤ نتایج غیراستثنایی

توانمندسازی اسرائیل از سوی آمریکا برای تمام طرف‌های درگیر مضر بوده است. این امر به‌وضوح در مورد جامعه فلسطینی در غزه که به‌دلیل دو سال جنگ متلاشی‌شده، صادق است. زمانی که آتش‌بس اکتبر اجرایی شد طبق گزارش کمیته بین‌المللی نجات،

تقلیل داده می‌شدند و کلماتی مانند «اشغال» از لغت‌نامه رسمی آمریکا حذف شدند.

آنها گاهی تشدید حمایت نظامی را به‌عنوانی مزیتی برای اسرائیلی‌ها پیش‌نهاد می‌دادند اما از آن به‌عنوان اهرم استفاده نمی‌کردند. آنها صرف‌نظر از رفتار اسرائیل، از اقدامات قهری اجتناب می‌کردند.

این رویکرد آمریکا بر پایه چهار فرض اصلی بنا شده بود؛ اول اینکه منافع آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها اگر یکی نباشد، عمدتاً با یکدیگر همسو است، مثل هدف مشترک رسیدن به صلح بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها و دیگر همسایگان از طریق مذاکره. دوم اینکه اسرائیلی‌ها از منافع خود و تهدیدهایی که کشورهای متخاصم - که قدرت قابل مقایسه‌ای با اسرائیل داشتند - ایجاد می‌کردند، درک بهتری داشتند. سوم اینکه بهتر بوده هر گونه اختلاف بین دو متحد در پشت‌پرده حل شود چون دعوا در روز روشن، دشمنان اسرائیل را جسورتر می‌کرد. در نهایت، در زمان عمل، اسرائیل نگرانی‌های مهم آمریکا را در نظر می‌گرفت تا رابطه‌ای که برای بقای درازمدت خود نیاز داشت، حفظ کند.

رابطه‌ای که از این نقطه شروع شد کاملاً در انتظارات، استانداردها و شیوه کار تکرو بود. این روند که تا حدودی توسط یک لابی سیاسی قدرتمند حامی اسرائیل در آمریکا پیش برده می‌شود، بدون تغییر قابل‌توجهی ادامه یافته است. واشنگتن همچنان نفعت‌ها برای قضاوت رهبران اسرائیلی بلکه برای نیازهای سیاسی داخلی آن احترام شدیدی نشان می‌دهد. این امر بدون هیچ قید و شرطی کمک‌های نظامی گسترده‌ای فراهم کرده است: تفاهم‌نامه‌ای در سال ۲۰۱۶ که سالانه ۳میلیارد و هشتصد میلیون دلار، انتقال روزانه بیش از ۱۰ میلیون دلار از پول مالیات‌دهندگان آمریکایی را وعده می‌داد و کنگره آمریکا هم به‌طور مرتب به آن اضافه می‌کند. انتظار می‌رود آمریکا نه‌تنها از انتقاد علنی اسرائیل اجتناب کند بلکه از جایگاه اسرائیل در نهادهای بین‌المللی حمایت کند؛ که ملموس‌ترین آن با وتو کردن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است که اسرائیل به آنها اعتراض دارد؛ چه بازتابی از سیاست آمریکا باشند چه نباشند. اسرائیل به‌ندرت یا هیچ‌وقت مشمول برخی قوانین و سیاست‌های آمریکا می‌شود، به‌ویژه محدودیت‌های قانونی مربوط به نقض حقوق بشر که شامل تمام کشورهای دریافت‌کننده کمک‌های آمریکا است.

حمایت بی‌قید و شرط ناگزیر خطرات اخلاقی را برای هر دو کشور به‌وجود آورده است. اسرائیل هیچ دلیلی برای رفع نگرانی‌ها و منافع آمریکایی‌ها ندارد چون امتناع از آن هیچ هزینه‌ای ندارد. در عوض، اسرائیل به‌دنبال پیگیری مواضع حداکثری خود بوده که اغلب با منافع آمریکا و گاهی با منافع اسرائیل نیز همسو نیست. اسرائیل ضربات شدیدی به دشمنان مشترک خود با آمریکا وارد کرده و تضمین عملی حمایت آمریکا ممکن است به بازدارندگی دشمنان از حمله به اسرائیل کمک کرده باشد. اما از آنجایی که قدرت اسرائیل از تمام رقبایش بسیار بیشتر است، این حمایت یک مزیت خودسرانه‌ای برای اسرائیل ایجاد می‌کند تا با بی‌پروایی و بدون ضرورت اقدام کند و مطمئن باشد که حمایت آمریکا فارغ از نتیجه ماجراجویی‌های آن، ادامه خواهد داشت.

این امر حمایت بی‌وقفه آمریکا را در اقدامات اسرائیل دخیل می‌کند و گاهی اوقات منجر به انتقام جویی مستقیم از نیروهای آمریکایی می‌شود. اسرائیل در عوض از نگاه‌های موشکافانه‌ی شدید برخی از اقشار جامعه آمریکا به‌دلیل کمک‌هایی که از آن‌ها استفاده می‌برد، آزرده می‌شود.

رهبران اسرائیلی به‌ندرت در قضاوت‌های خود مصون از خطا هستند، به‌ویژه در عملیات‌های گسترش منطقه‌ای خود. این نکته برای هر رهبری در هر کجا درست است اما تاریخ اسرائیل برخی از قانون‌گذاران را مستعد کرده تا به‌شدت بر بقای روزانه خود متمرکز باشند و در نتیجه در داینامیک‌های استراتژیک دچار سوءتفاهم می‌شوند یا آن را انکار می‌کنند. طنز غم‌انگیز ماجرا این است که دو اشتباه بزرگ اطلاعاتی اسرائیل باعث شدند رهبران اسرائیلی نشانه‌های هشداردهنده را نادیده گرفتند، یکی ناتوانی در اجتناب از یک حمله غافلگیرانه که باعث آغاز جنگ اسرائیل و اعراب در سال ۱۹۷۳ شد و دیگری، ۵۰ سال بعد در هفتم اکتبر که نه‌تنها به‌دلیل کمبود اطلاعات تاکتیکی بلکه به‌دلیل ارزیابی‌های استراتژیک به‌شدت امیدبخش رخ دادند. آمریکا نباید قضاوت‌های اسرائیل را نادیده بگیرد و نباید کورکورانه آن را با منافع خود جایگزین کند.

➤ رفتار استثنایی

پیامد حملات حماس در هفتم اکتبر ایرادهای اصلی این رابطه استثنایی را برجسته کرد. جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا و تیم‌اش مطابق انتظار نتوانستند رویکرد جنگی دولت نتانیاهو در غزه و اقدامات او در جاهای دیگر منطقه را شکل دهند. آمریکا به‌طور رسمی یا غیررسمی به‌دنبال این نبود که به اسرائیل بفهماند چه کمک‌هایی را تحت چه شرایطی و برای کدام اهداف نظامی ارائه خواهد کرد. حمایت دولت آمریکا از اقدامات

سیاستمداران



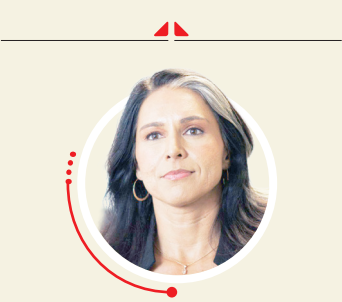
به‌دنبال صلح آبرومندان

رئیس‌جمهور اوکراین ولودیمیر زلنسکی از تداوم مذاکرات با آمریکا برای توقف جنگ خبر داد و آماری از حملات اخیر موشکی و پهپادی ارائه کرد. به‌گفته زلنسکی «روسیه طی هفته گذشته ۱۳۰۰ پهپاد تهاجمی، نزدیک به ۱۲۰۰ بمب هدایت‌شونده و ۹ موشک از انواع مختلف» علیه اوکراین شلیک کرده است. رئیس‌جمهور اوکراین ضمن انتشار یک ویدئو از وضع جنگ با روسیه خبر داد: «منطقه اودسا و جنوب ما به شدت مورد اصابت قرار گرفتند. ما در سطوح مختلف با این ترور روسیه‌مقابله می‌کنیم.» او با استقبال از حمایت‌های اخیر متحدان اوکراین گفت: «طی این هفته تصمیم مهمی در مورد تضمین امنیت مالی برای اوکراین اتخاذ شد؛ شامل تخصیص ۹۰ میلیارد یورو توسط شورای اروپا به همراه بسته‌های کمکی قابل توجه از نروژ و ژاپن و توافق با پرتغال درباره تولید مشترک شپها‌دا (شناور هدایت‌پذیر از راه دور در سطح دریا).»



دزدی دریایی آمریکا بی‌پاسخ نمی‌ماند

دولت نیکولاس مادورو اعلام کرد که مصادره دومین نفتکش این کشور در کمتر از دو هفته اخیر توسط آمریکا، بخشی از سیاست فشار حداکثری واشنگتن علیه اقتصاد این کشور است و هشدار داد این اقدامات می‌تواند تجارت جهانی انرژی را مختل کند. دولت ونزوئلا با صدور بیانیه‌ای رسمی، اقدام نیروهای آمریکایی در مصادره یک نفتکش حامل نفت خام ونزوئلا در آب‌های بین‌المللی دریای کارائیب را به شدت محکوم کرد و این اقدام را «اقدامی خطرناک و نمونه‌ای آشکار از دزدی دریایی بین‌المللی» دانست. این بیانیه که از سوی وزارت امور خارج این کشور منتشر شد، تأکید دارد: «جمهوری بولیواری ونزوئلا با قاطعیت، سرعت و ربودن یک کشتی خصوصی را که در حال انجام تجارت قانونی بین‌المللی و حمل نفت ونزوئلا بود، محکوم می‌کند. این اقدام که توسط نیروهای نظامی ایالات متحده در ساعات اولیه صبح دیروز انجام شد، نقض فاحش حقوق بین‌الملل، کنواسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها، اصول اساسی تجارت آزاد است.»



روسیه اروپا را فتح نمی‌کند

تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، گزارش‌ها مبنی بر اینکه آژانس‌های تحت‌نظارت وی معتقدند روسیه احتمالاً به دنبال فتح اروپاست را رد کرد. روز شنبه روبرتز گزارش کرد که جامعه اطلاعاتی آمریکا احتمالاً متقاعد شده که ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به دنبال «تصرف تمامی اوکراین و بازپس‌گیری بخش‌هایی از اروپاست که به امپراتوری شوروی تعلق داشتند.» گابارد در شبکه ایکس (توییتر) نوشت: «جنگ‌طلبان دولت پنهان و رسانه پرپوگاندای آن بار دیگر در تلاش‌اند تا با ادعاهای نادرست مبنی بر اینکه جامعه اطلاعاتی ایالات متحده از نقطه‌نظرات اتحادیه اروپا/ناتو حمایت می‌کند و موافق است که هدف روسیه حمله یا فتح اروپاست، تلاش‌های دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را برای برقراری صلح در اوکراین تضعیف کند.» وی در ادامه نوشت: «این ادعاها با هدف دستیابی به حمایت برای سیاست‌های این جنگ‌طلبان است.» پوتین پیشتر گفته بود که روسیه تمایلی به وارد شدن به جنگ با اروپا ندارد اما اگر اروپا خودش تصمیم به چنین کاری داشته باشد، مسکو نیز همین حالا آماده است.